

نقش هویت ملی در مقابله با تهدیدات آینده

عباس چگینی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

انقلاب اسلامی مبتنی بر سابقه و اندیشه تاریخی ایران اسلامی همواره در مواجهه با تهدیدات خارجی شکوفا شده است که تداوم و بقا خود را در مواجهه با تهدیدات بعدی تضمین کرده است؛ این اصلی‌ترین وجه هویت ملی ایرانی - اسلامی است. در چهار دهه گذشته، انقلاب به سبب آرمان‌ها و ارزش‌های جهانی که داشته، مورد حمله مستمر و مداوم قرار گرفته است؛ این تهدیدات در اشکال و سطوح مختلف درصدد پیشگیری از رشد و اشاعه انقلاب بوده‌اند؛ اما به سبب ظرفیت و قابلیت هویتی ایرانی - اسلامی توفیق چنانچه کسب نکرده‌اند. درک تهدیدات و مواجهه متناسب و مناسب با آن‌ها در روند حرکتی انقلاب عامل رافع مشکلات و ثبات بخش و تداوم هویت اسلامی - ایرانی است. این مقاله به دنبال تبیین نقش هویت ملی در مواجهه با تهدیدات تحول‌یافته با نگاه به آینده است؛ تحقیقی مبتنی بر روش کیفی و بر مبنای هدف، در گروه تحقیقات کاربردی که محقق با بهره‌گیری روش تاریخی و همبستگی علی - معلولی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است؛ درک و بهره‌گیری از این توانمندی و ظرفیت در مواجهه با تهدیدات تحول‌یافته آینده می‌تواند در تداوم حرکت انقلاب تعیین کننده باشد. مواجهه با تهدیدات در جامعه ایرانی - اسلامی در توجه به هویت اسلامی و ایرانی و عناصر آن، تقویت، تداوم و استمرار آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها

هویت ملی، تهدید نیمه‌سخت، تهدید نرم، تهدیدات آینده، انقلاب اسلامی.

مقدمه

هر کشوری برای تداوم ثبات و بقاء خود، نیازمند تداوم عناصر حیاتی است. اصلی‌ترین بنیاد در انسجام‌بخشی حیات یک کشور، ملت و تمدن، «هویت ملی» است. هویت ملی پُل ارتباطی نسل‌های متمادی و متوالی در یک جامعه است. هویت ملی، در سطوح و لایه‌های مختلف دارای اثرات و تبعات مثبت برای تداوم سیاست‌گذاری‌های ملی، طرح و برنامه‌های کلان و کلی است. هنگامی که معضلات و مخاطرات یک ملت، کشور و سرزمین و تمدن را تهدید می‌نماید، هویت ملی با فعال‌نمودن ظرفیت و توانمندی‌های کارآمد و اثربخش خود به صحنه می‌آید. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی با وجود نوپایی با تهدیدات روزافزونی در بخش‌های سیاسی و امنیتی خود روبه‌رو شد؛ آسیب‌پذیری‌های فراوان امنیتی ناشی از عدم استقرار کامل نظام در کنار مداخلات و تهدیدات قدرت‌های خارجی و استکباری سبب تشدید ناامنی در جای‌جای کشور شد. اوج تهدیدات در تحمیل جنگی هشت‌ساله به نظام تازه تأسیس نمود یافت؛ اما هویت ملی که منبعث از عناصر حیات‌بخش اسلامی و ایرانی بود، یکپارچگی و انسجامی را رقم زد که نه تنها موجب اضمحلال و نابودی نظام نگردید، بلکه سبب تداوم و بالندگی روزافزون در همه حوزه‌های قدرت ملی شد.

در عصر حاضر، محیط متحول جامعه جهانی، متأثر از ارتباطات و تعاملات بین‌المللی و فناورانه که جریان آزاد اطلاعات، اقتصاد و سیاست را رقم زده است، با هویت‌های ملی در چالش قرار گرفته است. تأثیرپذیری بیش از پیش جوامع، از محیط، فرهنگ و هویت‌های دیگر، سبب جابه‌جایی ارزش‌های هویتی و به تبع تحول در هویت‌های ملی شده است. جامعه ایرانی - اسلامی از این امر مستثنی نبوده است و این تعامل تأثیراتی در تبدیل عناصر هویت برجای گذاشته است. حال با توجه به تداوم تهدیدات در کنار ترکیب، تنوع و گسترش دامنه تهدیدات علیه انقلاب و نظام اسلامی، «هویت ملی در مواجهه با تهدیدات آینده انقلاب اسلامی، چه نقشی ایفاء خواهد کرد؟»

در صورتی که به این امر توجه شود می‌توان به صورت جدی در تداوم مؤلفه‌های فرهنگی و ملی در شرایط برقراری ارتباط یا در مواجهه با عناصر تهدیدکننده، حفظ انسجام و بقاء عناصر ملی را تضمین نمود، یا حداقل به مقاومت و ثبات و بقاء ملی امیدوار بود؛ اما در

صورتی که میزان توانمندی هویتی کاهش یابد، ثبات و بقاء ملی خدشه‌دار خواهد شد؛ همچنین در پژوهش حاضر مبتنی بر گذارهای فرهنگی ایرانی و اسلامی که دارای قدمتی دیرینه و پاسخگو در شرایط بغرنج گذشته بوده است، پرداخته می‌شود.

این مقاله به دنبال تبیین نقش هویت ملی در مواجهه با تهدیدات تحول‌یافته با نگاه به آینده است. تحقیقی مبتنی بر روش کیفی و بر مبنای هدف در گروه تحقیقات کاربردی است. روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ پس از گردآوری با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی، تاریخی و همبستگی علی - معلولی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. با توجه به اینکه هویت ملی مقوله‌ای مبتنی بر تداوم شاخص‌های تاریخی در اجتماع/ جامعه است، بررسی نقش هویت ملی ایرانی - اسلامی که مقوله اجتماعی متسلسل، دارای مانایی و تداوم تاریخی است؛ لذا به نقش آن در مقابله با تهدیدات در رویکرد آینده‌نگرانه پرداخته شده است.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

هویت دغدغه دیرین بشر است و تاریخی به درازی تاریخ بشر داشته و در حقیقت پاسخ به پرسش بنیادین بشر به کیستی و چیستی خویش است که از دو منظر اساسی وجود شباهت با درون گروه و تفاوت با برون گروه به فرد نگریسته و بر این ویژگی‌ها اصرار می‌ورزد. محققین در حوزه‌های مختلف علوم به بررسی این مهم پرداخته‌اند. بررسی‌ها نشان داده که انسان‌ها فقط تابع یک هویت واحد نیستند؛ بلکه به هویت‌های متعددی وابسته‌اند. شخص می‌تواند هم‌زمان هویت ملی، هویت مذهبی، هویت طبقاتی و سیاسی خاصی داشته باشد و هیچ تعارضی میان این هویت‌ها به چشم نخورد؛ چنین هویت‌هایی از یک سو جنبه اجتماعی دارند؛ یعنی بر اساس «ایجاد پیوند میان خود و شکل‌های اجتماعی» پدید می‌آیند و از این لحاظ امری اجتماعی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، نسبی هستند و در طول زمان دست‌خوش تغییر می‌شوند (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۳۱).

تعریف هویت

«هویت» تلقی از «خود» یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آن‌گاه که در برابر «دیگری» و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز «ما» از «دیگران» است و معرف مجموعه عناصر و ویژگی‌هایی است که «دیگران فاقد» و «ما واجد» آن می‌باشیم.

در تکوین و شناخت هویت که در مسیر زمان قوام می‌گیرد، «تاریخ» نقشی کلیدی دارد و هویت چونان تکه سنگی که بر بستر رود می‌غلند، در تاریخ شکل می‌یابد. هویت، ترکیبی از جسم و روح تاریخی ماست که هریک بدون دیگری امکان تعیین نمی‌یابد؛ البته هویت ملی در نسبتی وثیق با ملت‌های هم‌جوار و نیز هویت‌های فراملی قوام یافته و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با مردم کشورهای همسایه و نیز کشورهای جهان اسلام فرصت‌های هویتی مغتنمی برای اعتلا و همگرایی فرهنگی فراهم آورده است؛ به گونه‌ای که اندیشه رهبران و متفکران انقلاب اسلامی، به عنوان رستاخیز هویتی تاریخ معاصر ما (امامی، ۱۳۹۰) مؤید چنین نگرشی است (امامی، ۱۳۹۰: ۵۸ - ۵۶).

اگر هویت از منظر تاریخی به‌عنوان پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته شود، می‌توان گفت که بحث در حوزه هویت ملی از هنگام پدید آمدن «ملت» به معنای امروزی آن شکل گرفته است. عواملی چند در شکل‌گیری هویت در واحدهای قومی و تأمین ملت مؤثر واقع شده‌اند که از آن جمله: تشکیل نهاد سیاسی امپراتوری که با تجمع اقوام و طوایف گوناگون، یک واحد سیاسی، نظامی و اقتصادی را با هویت سیاسی مشترک تشکیل می‌دادند و نیز زبان و ادبیات مشترک میان اقوام و طوایف که مبنای شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک قرار می‌گرفت. در دوران جدید، نخستین گام مهم در راه تشکیل ملت در اروپا تحول از «همبستگی خونی» به «همبستگی فراطیفه‌ای» در اجتماعات شهری قرون وسطایی بود؛ در واقع با پیدایش مفهوم شهروند و حق و تکلیف شهروندی بود که مفهوم ملت (هویت ملی) در مقابل دولت به عنوان یک ساخت مستقل تحقق یافت.

مفهوم «هویت ملی» به مثابه پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت؛ اما این مفهوم به‌عنوان مفهومی علمی از ساخته‌های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به‌جای «خلق و خوی» و «خصیصه ملی» رو به گسترش نهاده است (میرمحمدی، ۱۳۸۳).

در واژگان علوم اجتماعی «هویت ملی» از ساخته‌های نیمه دوم قرن کنونی است که به‌جای «خلق و خوی ملی» که از مفاهیم عصر تفکر رمانتیک بود، رواج یافت. هویت ملی، که بر پایه

رویاری «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر بدل شود.

موضوع هویت و بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها، انواع و سطوح آن در کشور ما نزدیک به دو دهه است که مورد توجه گسترده محققین رشته‌های مختلف علم قرار گرفته است و هر یک با رویکردی به شناخت وضعیت هویت پرداخته‌اند؛ برخی مؤلفه‌های پایه‌گذار هویت ملی را در ایران بررسی کرده‌اند (پرتوی، ۱۳۷۴: ۶۳ - ۸۸).

هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست؛ بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل‌بیت پیامبر(ص) است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه این‌ها هست؛ این‌ها را حفظ کنیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

جدول ۱. تعریف هویت ملی از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب‌نظر	تعریف هویت ملی	منبع
چلبی	محققین از دیدگاه‌های مختلفی هویت ملی را تعریف کرده‌اند؛ به عنوان مثال از دید چلبی دو عنصر مهم در تعریف هویت ملی، جایگاه ویژه‌ای دارند که عبارت‌اند از: ۱. پابندی ملی (عام) و ۲. تعهد عام ملی	چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۳ - ۱۱۸
میلر	دیوید میلر در تشریح ابعاد هویت ملی آورده است: «یک اجتماع به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص پدید می‌آید؛ این پنج عنصر در کنار هم ملیت را از دیگر منابع جمعی هویت شخصی متمایز می‌سازد».	میلر، ۱۳۸۳: ۳۴
رزازبفر	رزازبفر در مطالعه خویش برای هویت ملی چهار بعد مطرح کرده که آن را در قالب مدلی مفهومی با متغیرهای چهارگانه تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی و اقتدار مشروع نظام در جامعه مورد مطالعه قرار داده است.	رزازبفر، ۱۳۷۹: ۶۴
حاجیان	از آنجا که زبان از عناصر فرهنگی مهم هر جامعه به حساب می‌آید، در صورتی که این عنصر از میان برود یا به نوعی تغییر یا استحاله یابد، مسلماً هویت فرهنگی و هویت ملی آن جامعه نیز استحاله می‌یابد؛ ادبیات مکتوب نیز صرف‌نظر از زبان، در شکل دادن به هویت ملی بسیار مؤثر است.	حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۰۶
حاجیان	محققین داخلی نیز با توجه به ویژگی‌های هویت ملی در ایران، ابعاد و مؤلفه‌هایی را مطرح کرده‌اند. حاجیان مهم‌ترین ابعاد هویت ملی را در هفت محور اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و زبانی دسته‌بندی کرده و مورد بررسی قرار داده است.	حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۲۳

مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارت‌اند از: «سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت». هویت یا الهویه

کلمه‌ای عربی است؛ این کلمه از «هو» به معنی او که ضمیر غایب مفرد مذکر است، می‌آید و از آن لفظ هوهو یا الهوهو را ساخته‌اند که اسم مرکب است و معرفه به ال؛ معنی لغوی آن «اتحاد به ذات یا انطباق به ذات است. اتحاد به ذات به معنی اتصاف و شناخته شدن و یکی شدن موصوف با صفات اصل و جوهری مورد نظر است». وقتی از هویت پدیده‌های سخن به میان می‌آید، باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به‌راستی گویای هیئت و ماهیت وجودی آن است؛ در غیر این صورت فاقد معنای ماهوی آن خواهد بود (الطائی، ۱۳۷۸).

از نظرگاه دیگری هویت فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد به یک دسته سؤالات در مورد خودش می‌باشد؛ از گذشته‌اش که او چه کسی است؟ کجا بود؟ چه بود؟ چه هست و به چه قبیله، نژاد یا ملت تعلق دارد؟ منشأ ابتدایی و اصلی‌اش کجاست و در تمدن جهان چه نقشی داشته است (باوند، ۱۳۷۷). برخی از اندیشمندان هویت را با تأکید بر «وجه تشخص» تعریف کرده‌اند نظیر آنچه شیخاوندی ارائه نموده است: «هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد» (شیخاوندی، ۱۳۸۰). برخی هویت را معناداری جامعه دانسته‌اند؛ یعنی جامعه معنایی برای خودش قائل باشد و در چارچوب آن عمل کند و در صورت از دست دادن این معنا یا به هر دلیل گسستگی در معناداری با بحران هویت مواجه خواهد شد (رجایی، ۱۳۷۳)؛ برخی دیگر از جامعه‌شناسان مقوله هویت را با دید جدلی و تقابلی آن تعریف نموده‌اند؛ در نگاه این گروه اساساً «هویت در مقابل غیر» قابل طرح است. اگر فضا یک‌دست باشد، عنصر هویت خود را نشان نمی‌دهد؛ از این منظر هویت به معنی هستی و وجود است؛ چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند. انسان‌ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می‌کنند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۵۶ - ۱۷۹).

ماهیت اگر تشخیص یابد به معنای حقیقت جزئی است و گاه به معنای وجود خارجی است. هویت یا تلاش برای پاسخ به پرسش کیستی انسان، سابقه‌ای به قدمت حیات انسان دارد. انسان‌ها همواره کوشیده‌اند خود را بشناسند و تفاوتشان با دیگران را بازشناسند؛ این مسئله سرآغاز هویت‌یابی انسان است (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۸۹). ارزش و اهمیت هر انسان یا مجموعه انسانی به پاسخ به پرسش کیستی وی بستگی دارد.

جدول ۲. نموداری هویت

نمود هویت در عناصر اساسی	
پاسخ به پرسش، کیستی؟	پرسش‌های هویت
پاسخ به پرسش، چیستی؟	
پاسخ به پرسش، سابقه و قدمت حیات انسان؟	

هویت ملی^۱ که از بر ساخته‌های علوم اجتماعی است، به‌مثابه پدیده سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است و هنگامی در غرب پدید آمد که ملت به معنای امروز شکل گرفت و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. مفهوم هویت ملی از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به‌جای خلق و خو و خصیصه ملی^۲ کاربرد یافت (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷).

جدول ۳. دوره واژه‌شناسی هویت

مفهوم هویت تا گذر زمان	
پیش از قرن نوزدهم میلادی	در دوران قرن بیستم به این‌سو
خلق و خوی و خصیصه ملی	هویت ملی

وقتی سخن از «ما» پیش می‌آید بحث «هویت» مطرح می‌گردد. «مرز ما از دیگران توسط خطوط ترسیم شده توسط هویت ما روشن می‌گردد». بررسی هویت ملی یکی از مباحثی است که از اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی برخوردار است. اهمیت تاریخی هویت به این جهت است که نخست این پدیده در فرایند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تأثیر پذیرفته است؛ دوم: هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است. از نظر جامعه‌شناختی هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. هر اندازه یک ملت از هویت محکم‌تر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۲۹ - ۱۳۰).

1. National Identity
2. National Character

هویت ملی مجموعه نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که از یک سو سبب همبستگی جامعه و از سوی دیگر تفاوت جوامع با یکدیگر می‌شود. هویت ملی در دوران معاصر اصلی‌ترین حلقه اتصال و امتیاز هویت‌های فرو ملی و فراملی است. هویت ملی مجموعه گرایش‌ها و نگرش‌ها به عوامل، عناصر و الگوهای تشخیص‌بخش و وحدت‌بخش در سطح کشور به منزله یک واحد سیاسی است (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

سیر تحول مفهوم هویت ملی در ایران

دوره‌های تاریخی هویت ملی را می‌توان به شش دوره تقسیم نمود. در هریک از دوره‌های تاریخی مفهوم هویت ملی و مؤلفه‌های آن تغییر یافته‌اند (قربانی، ۱۳۸۳: ۷۰).

۱. دوران باستان: هویت ایرانی بر مبنای عناصر اسطوره‌ای دین باستانی (زردشت)، جغرافیا (سرزمین ایران) و نظام سیاسی؛
۲. ورود اسلام تا آغاز صفویه: هویت ملی بر مبنای اسلام و سرزمین‌های اسلامی؛
۳. دوران صفویه تا نهضت مشروطه: در دوره صفویه با تشکیل دولت ملی، هویت ملی بر عنصر ملیت ایرانی و تشیع اتکا می‌یابد؛
۴. از مشروطیت تا ظهور پهلوی: در این دوره با ورود اندیشه‌های غربی و نهضت مشروطیت که بیشتر بر ملیت و قومیت تکیه داشت، هویت ملی دچار بحران اساسی شد؛
۵. دوران پهلوی: این دوره، دوران بازگشت به ایرانیت (ملیت‌گرایی یا ناسیونالیسم) در مقابل اسلامیت است؛
۶. دوران انقلاب اسلامی: عصر بازگشت به دین و احیاء هویت اسلامی - ایرانی.

لایه‌های هویت ملی ایرانیان در قانون اساسی

درک و شناخت لایه‌ها و ساحت‌های هویت ملی ایرانی در قانون اساسی به‌عنوان یک سند بالادستی می‌تواند در ایجاد زمینه، ساختارمندسازی و بروز گزاره‌های رفتاری اثرگذار باشد؛ لذا مبتنی بر اصول قانون اساسی می‌توان محورهای ذیل را در هویت ملی ایرانیان احصاء نمود:

۱. سطح و لایه اسلامی: در دیباچه و اصول ۵ - ۱، ۱۱، ۱۲، ۹۴، ۱۱۰ بر اینکه ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، زیربنای فکری قانون اساسی را تشکیل می‌دهد، تأکید شده است.

۲. سطح و لایه ایرانی: از نشانه‌های پذیرش مظاهر ایرانی هویت ملی در قانون اساسی در اصل ۱۵ رسمیت زبان و خط فارسی و پذیرش زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی، در اصل ۱۷ تاریخ هجری شمسی معتبر شناخته شده است؛ در اصل ۱۸ پرچم سه رنگ ایران مورد قبول قرار گرفته است و در اصل ۸۳ احترام به میراث فرهنگی و نفایس ملی و شناختن آن‌ها به‌عنوان دارایی‌های معنوی ملت، مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. سطح و لایه تمدن جهانی: در اصل ۲۰ بر بهره‌گیری از تجارب پیشرفته دنیای جدید و علوم و فنون، در اصل ۴۳ بر استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، در اصل ۳ بر تقویت روح بررسی و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان تأکید شده است (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۶۷ - ۷۰).

مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

مبتنی بر سند مؤلفه‌های هویت ملی مصوب سال ۱۳۸۶ عناصر و جوهره هویت ملی ایرانیان عبارت‌اند از:

۱. روح معنویت، تعبد و توحید

دین‌داری بر محور یکتاپرستی، در ایران سابقه‌ای به درازای تاریخ این سرزمین دارد؛ ایرانیان باستان، چه در دوران دینی و چه دوره اساطیری، موحد بوده‌اند و هیچ‌گاه کثرت و تعدد مبدأ آفرینش را نپذیرفته‌اند. معنویت و عبادت رکن اصلی حیات فردی و اجتماعی و عبادتگاه‌ها و مساجد، کانون انسجام‌بخش آنان بوده است.

جدول ۴. تبلور هویت توحیدی

رکن اصلی حیات فردی و جمعی	کانون انسجام‌بخش
معنویت و عبادت	عبادتگاه و مساجد

۲. اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل‌بیت (ع)

ایرانیان، آیین اسلام را چون گوهری گران‌مایه از جان و دل پذیرفتند و با آن درآمیختند. ایرانیان تعالیم قرآن را اخذ و مجدانه در نشر و تنظیم آن کوشیدند؛ آنان فارغ از علائق قومی و

نژادی، علاقه و ارادت عمیقی نسبت به خاندان وحی پیدا کردند و پیروی دین حضرت خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله علیه و آله و سلم) را پذیرفتند. تجلی عشق و ارادت را در ایام سالگرد شهادت یا ولادت ائمه معصومین(علیهم‌السلام)، زمانی که ایران، یکپارچه در سوگ و سرور فرزندان پیامبر می‌نشیند و با امید و اراده، مهیای رفع و دفع ظلم که به صورت مختلف در تاریخ تکرار می‌شود، می‌توان مشاهده کرد. حقیقت اسلام که گوهر مشترک ادیان ابراهیمی است، هم‌چنین در قالب ابواب متعددی از اخلاق و آداب و سنت‌های حسنه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قله‌های رفیعی از انسانیت و کرامت را به تصویر می‌کشد که همه ایرانیان فارغ از قوم و آیین، بدان‌ها متصف و متعهدند. امام خمینی(ره) به عنوان معمار و بنیان‌گذار انقلاب و احیاگر هویت ایرانی و اسلامی در دوران معاصر اساس نگه‌داری اسلام را در حفظ ارادت به اهل‌بیت عصمت و طهارت و در زنده نگه‌داشتن مراسم و مناسک محرم و صفر و تبلور زندگی که مردم به ائمه اطهار به‌ویژه امام حسین(علیه‌السلام) و یاران وفادار ایشان می‌دانستند و می‌فرمودند: «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۳۰)؛ این خصیصه باعث تأثیرگذاری در هویت ملی ایرانیان در هزاره گذشته شده است؛ تبلور این عنصر هویتی را در دفاع مقدس به وضوح و روشنی می‌توان مشاهده نمود. فداکاری و ایثار در راه دین هیچ مرز و محدودیتی ندارد. مرجع امنیت در تفکر هویتی ایرانی مسلمان حفظ اسلام و ارزش‌های اسلامی بوده و هست.

۳. ولایت‌مداری

ثمره روح ولایت و کشش به سوی پرهیزگاران و دوستداران خدا، تشکیل حکومت صالحان و قبول حاکمیت پاکان بر جامعه است؛ مشروعیت نظام اجتماعی نیز موهبتی الهی است؛ چراکه اولویت در ولایت، اَحقیقیت در ولایت را منجر می‌شود؛ این گرایش، بستر همواری برای عدالت‌طلبی بی‌پایان در این جامعه است. ایرانیان، خود، هیچ‌گاه حاکمان را به دلیل زر و زور و تزویرشان نپذیرفتند و حکومت سلطان را با هدف افزایش معیشت و رفاه صرفاً دنیوی اختیار نکردند؛ هرچند که در اکثر موقعیت‌ها، استبداد، این حق را از آنان ستاند؛ پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، این اندیشه، خود را در الگوی ممتاز ولایت‌فقیه باز یافت و این کشش

هویتی ایرانیان را پاسخ داد؛ این الگو، به‌ویژه زمانی که در قامت امام خمینی (ره) متجلی شد به شناسنامه انقلاب اسلامی بدل گشت؛ چراکه «این انقلاب بی‌نام خمینی (ره) در هیچ‌جای جهان شناخته شده نیست»؛ لذا انس و نسبت وثیق همه اقوام و گروه‌های ایرانی به معمار کبیر انقلاب اسلامی، شاهد زنده و تجلی‌گویای این مؤلفه است. در انقلاب اسلامی و طی چهار دهه گذشته، این باور در میان مردم تا جایی پیش رفت که مصداق عملی «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیب نرسد»، گردید؛ این عنصر به‌عنوان گزاره‌ای هویتی در مواجهه با تهدیدات علیه کشور تبدیل شده است که تداوم ثبات و بقاء ملی را رقم می‌زند.

۴. سرزمین ایران

ایران سرزمینی است که محل زندگی اقوام مختلفی بوده است؛ این اقوام طی تاریخ با مجاهدت‌ها و تحمل رنج‌ها از نام و یاد و عظمت ایران پاسداری کرده‌اند؛ گرچه اطلاق نام ایران به کشوری که اکنون در آن به سر می‌بریم صورت گرفته است؛ اما نام و خاطره ایران سابقه طولانی دارد و در ذهن، حافظه و خاطره قومی مردم سرزمین ما از دیرباز زنده بوده است؛ این سرزمین، معنایی فرهنگی و انسانی و نه جغرافیایی و مرزی است و مفهومی بسیار عمیق‌تر از مفهوم دولت - ملت مدرن را تداعی می‌کند. از آنجا که کشور ما در مقاطع تاریخی مورد یورش و تاخت و تاز قرار گرفته؛ دفاع از سرزمین به مثابه مظهر هویت و عزت ایرانی، عامل مهمی در تحکیم و تثبیت وحدت ملی بوده است؛ بارزترین صورت آن در دفاع هشت‌ساله ایرانیان از سرزمین خود در برابر متجاوزان بعثی و حامیان آن‌ها متجلی است. ایرانی که اقوام ما با آن احراز هویت می‌کنند و آیین‌ها، رسوم و خرده‌فرهنگ‌هایی زیبا، عمیق، هم‌سو و هم‌افق را در یک سرزمین فرهنگی متحد می‌سازد.

۵. زبان و خط فارسی

زبان به‌عنوان عنصر اصلی تمایزبخش، از مؤلفه‌های هویت ملی است. زبان فارسی دومین زبان اسلام، حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه‌سازی امین برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. زبان فارسی، زبان یک قوم نیست؛ این زبان به منطقه‌ای از مناطق ایران تعلق ندارد؛ بلکه زبانی است که در خراسان آغاز عهد اسلامی قوام یافته و زبان ایران و شرق عالم اسلام شده است. زبان فارسی در مقابل زبان عربی و هیچ زبان

دیگری قرار ندارد و تاریخ و فرهنگی که با این زبان قوام یافته است به همه ایرانیان و اقوام ایرانی تعلق دارد؛ از همین رو توجه به «پویایی، نشاط و استقلال» آن باید منظر قرار گیرد و اگر «ضعف و فتور» به آن راه یابد پیوستگی ملی را سست می‌کند؛ به این جهت باید در پاسداری از زبان و زنده نگاه‌داشتنش اهتمام کرد؛ خط فارسی نیز بستر، حافظ و رمز کمال زبان فارسی است و از همین جهت، همراه همیشگی مؤلفه هویتی ایرانیان است.

۶. تمدن و تاریخ ایران

حافظه تاریخی هر ملت راهنمای آینده اوست؛ این حافظه تاریخی در مسیر عبور از گذشته تا به حال، فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است؛ بهره‌گیری از نقاط قوت گذشته و اصلاح ضعف‌های آن، مسیر حال و آینده را روشن‌تر خواهد ساخت. ملتی که از گذشته خود پند گیرد، در دنیای کنونی می‌تواند به شیوه‌ای صحیح زندگی کند و به آینده‌ای بهتر امیدوار باشد؛ اما ملتی که از تاریخ و گذشته خود و دیگران عبرت نگیرد، مجبور به تکرار آن خواهد بود.

۷. مهدویت، انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان

ویژگی برجسته و قابل توجه هویت ملی ایرانیان، اعتقاد آنان به ظهور موعود و منجی عالم و انتظار توأم با زمینه‌سازی برای این ظهور است. آداب عمومی و حکمت تاریخی مردم ما به نحوی، کوشش برای بسترسازی ظهور و انتظار فعال در این عرصه است؛ الگوی کامل و جامع این موعودگرایی در فرهنگ ناب شیعی و مهدویت به ایرانیان عرضه و بستر امید، سازندگی و آینده‌گرایی آنان شد، قرائن تاریخی و ادله مختلف نشان می‌دهد که برای ملت ایران، وظیفه مهم و خاصی در ارتباط با ظهور، مقدر گردیده است.

اگر وقوع انقلاب اسلامی را در نسبت با رسالت تاریخی ایرانیان در مسیر ظهور تعریف نکنیم، از درک حقیقت، ماهیت و چرایی این رویداد بزرگ غافل می‌مانیم؛ در واقع در مسیر تکامل هویت مردم ایران که در ابتدا به عنوان مردمانی موحد و در مرحله دوم، به عنوان مردمی مسلمان و از آن پس به عنوان مسلمان شیعه شناخته شده‌اند، انقلاب اسلامی به عنوان مرحله چهارم این تحول تکاملی، ظهور کرده تا رسالت تاریخی مردم ایران را جهت زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی موعود(عج) و سیر در مسیر ولایت و انتظار، فعلیت و عینیت بخشد؛ این

ویژگی مهم یکی از ارکان هویت تاریخی مردم ماست که رسالت خاصی را برای وارثان این هویت تداعی می‌نماید.



شکل ۱. انقلاب اسلامی در نسبت با رسالت تاریخی ایرانیان در مسیر ظهور

پیداست که وحدت ملی حاصل جمع جبری عناصری که ذکر شد نیست؛ این عناصر همه درهم‌تنیده و وحدت یافته است؛ ما ایرانیان در سایه این وحدت پرورش یافته‌ایم و البته همه به یک اندازه از عناصر آن بهره نداریم؛ در حالی که اقلیت‌هایی هم وجود دارند که بر دین مزدایی و یهودی و مسیحی‌اند و مسلمانانی که بر مذهب عامه و جماعت می‌روند؛ آن‌ها هم ایرانی‌اند و در وحدت ملی ایران جایگاهی محفوظ و شایسته دارند.

تهدید^۱

تعریف تهدید

فرهنگ لغات، تهدید را، ترساندن، بیم‌دادن، بیم عقوبت‌دادن، معنی کرده‌اند. تهدیدات می‌توانند شامل خطر و تردید باشند که بسیار مبهم هستند.

1. Threat

تهدیدات موجود در جامعه بشری، از منظری عمومی چهار نوع هستند و عموماً حالت بسته‌ای نداشته، عبارت‌اند از:

۱. تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه، مرگ)؛
 ۲. تهدیدات اقتصادی (تصرف اموال و یا تخریب آن، عدم دسترسی به کار یا منابع)؛
 ۳. تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی)؛
 ۴. تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزیل درجه یا رتبه، تحقیر در انظار عامه).
- محمد رضا تاجیک می‌گوید:

تهدید اساساً بیش از آنکه موضوع شناخت باشد موضوع تعریف و بازتعریف است؛ به بیان دیگر می‌توان از پدیده‌ای واحد که تهدید پنداشته می‌شود، تعاریف و برداشت‌های مختلف و گاه متضادی را به تصویر کشید. آنچه در نزد یک نخبه سیاسی تهدید تعریف می‌شود لزوماً در نزد دیگر نخبگان، درک مشابه و همگونی نمی‌یابند؛ لذا تهدید، کاملاً مفهومی ذهنی است. تهدیدی که با تجربه تاریخی دولتی، جور باشد ممکن است در اثر حساسیتی که ایجاد کرده به راحتی شدت پیدا کند؛ بنابراین تهدیدات در طول زمان، یکسان نمی‌مانند؛ بلکه در مقابل تحولات جدید در نوع تهدید و تحولات کشورها که باعث تغییر ماهیت آسیب‌پذیری‌های آن‌ها می‌گردد، دست‌خوش تغییر می‌شوند.

در برخی از ادبیات سیاسی - امنیتی، تهدید به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه، برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی، یا مداخله به نحوی که نیل به علایق و مقاصد به خطر بیفتد؛ تعریف شده است. از دیدگاه نظامی، یک تهدید، همواره در پیکره نیروی نظامی کشور دیگر تصویر می‌شود. از دیدگاه اطلاعاتی، یک تهدید، عبارت از نیرو یا فعالیتی که مخاصم با منافع یک ملت فرض شده است، می‌باشد؛ در پاره‌ای دیگر از ادبیات سیاسی - امنیتی، تهدید به مثابه شکل بالفعل آسیب‌پذیری، تعریف می‌شود؛ آسیب‌پذیری از این منظر، میزان حساسیت یک ملت و یا نیروی نظامی را گویند؛ به طوری که بتوان با به‌کارگیری توان و ابزار نظامی و غیره، از توان و کارایی ملت یا نیروی نظامی حریف کاست؛ تهدید همچنین یک مفهوم امنیت ارتباطات است که به معنی قابلیت استعداد تکنیکی و عملیاتی یک حریف متخاصم می‌باشد که به سوی حصارهای

اطلاعاتی کشور دیگر، نشانه رفته است (تاجیک، مدیریت بحران، ۱۳۷۹ ب). مرکز بررسی‌های دکترینال تهدید را به گزاره‌ای اطلاق می‌نماید که به‌نحوی ثبات و بقای سامانه را دچار اختلال نماید (اندیشکده یقین، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

انواع و سطوح تهدید

افراد مختلف بسته به منظر، نوع نگرش و نگاهی که دارند تهدید را تعریف نموده‌اند. تهدید خطری است که بر اشخاص، اشیاء و اماکن وارد می‌شود؛ تهدیدات را با توجه به مباحث فوق می‌توان به شکل زیر طبقه‌بندی نمود:

انواع تهدیدات به اعتبار ماهیت عبارت‌اند از: تهدیدات ذاتی (تهدیداتی که از دیرباز وجود داشته‌اند)، تهدیدات عارضی (تهدیداتی که ناشی از ناکارآمدی است)؛

انواع تهدیدات به اعتبار هدف عبارت‌اند از: تهدید برای کسب امتیاز، تهدید برای باج‌خواهی سیاسی، تهدید برای بازدارندگی؛

انواع تهدیدات به اعتبار کنش‌های مسلط عبارت‌اند از: تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به هدف، تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به ارزش، تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به عاطفه، تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به سنت؛ انواع تهدیدات به اعتبار موضوع عبارت‌اند از: تهدیدات سیاسی، تهدیدات نظامی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات فرهنگی و اجتماعی؛

انواع تهدیدات به اعتبار دامنه و گستره عبارت‌اند از: تهدیدات کلان، تهدیدات خرد. هرمن کان^۱ سطح‌بندی چهارقسمتی برای طبقه‌بندی تهدیدات عرضه کرده است که عبارت‌اند از: سطح نخست تهدیدات: شامل مبارزه علیه منافع حیاتی و یا ادامه بقا می‌شود؛ سطح دوم تهدیدات: منافع حیاتی یا بقای دوستان و متحدان را به مبارزه می‌طلبد؛ سطح سوم تهدیدات: منافع مهم را به مبارزه می‌طلبد؛ سطح چهارم تهدیدات: مسائل ثانوی را به مبارزه می‌طلبد (Kahn, 1961).

دیتریک فیشر، یک طبقه‌بندی پنج لایه تهدید را ارائه می‌کند؛ که عبارت‌اند از: تهدید برای بقا، تهدید برای بهداشت، تهدید برای بهزیستی اقتصادی، تهدید برای محیط زیست قابل

1. Herman Kahn

زندگی و تهدید برای حقوق سیاسی که مصادیق هرکدام از آنها به ترتیب عبارت‌اند از: نابودی، بیماری، فقر، تخریب محیط زیست، سرکوب داخلی (رنجبر، ۱۳۷۸: ۷۳ - ۷۴).

جدول ۵. نسبت‌شناسی تهدید و مصداق از منظر دیتریک فیشر

لایه‌های تهدید					
پنجم	چهارم	سوم	دوم	یکم	
حقوق اساسی	محیط زیست	به‌زیستی اقتصادی	بهداشت	بقاء	آماج تهدید
سرکوب داخلی	تخریب محیط زیست	فقر	بیماری	نابودی	مصداق تهدید

در گونه‌شناسی تهدیدات در کتاب کالبدشکافی تهدید آن‌ها را با ده شاخص: بعد، سطح، جغرافیا، تعادل، تقارن، پیچیدگی، هویت، جنس، کانون، انگیزه و کارویژه، تقسیم‌بندی می‌نماید. باری بوزان^۱ چهار بعد اصلی یا چهار گونه اصلی تهدیدها را، به شرح تهدیدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی تقسیم کرده است؛ که در تلقی نوین تهدیدات زیست‌محیطی و تهدیدات فناورانه هم به آن‌ها اضافه می‌شود. تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. از دیدگاه بوزان، تهدید سیاسی دلالت بر آن دارد که صیانت عناصر سه‌گانه دولت (ایده، سازمان، منافع) از تعرضات بیرونی، بخش محوری امنیت است. موضوع اصلی تهدیدات اجتماعی را، هویت تشکیل می‌دهد؛ که با عناصری چون زبان و فرهنگ و غیره، شناسانده می‌شود. تهدیدات اقتصادی، در دو حوزه اصلی تولید و توزیع، رده‌بندی می‌شوند. تهدیدها در حوزه تولید، متوجه افزایش میزان تولید متناسب با نیازمندی‌های عمومی است. تهدیدها در حوزه توزیع، متوجه برابری فرصت در دستیابی به امکانات می‌باشد و همه کشورهای غنی و فقیر را در برمی‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶).

جدول ۶. تهدیدات شش بعدی در مکتب کپنهاک

ابعاد تهدید از منظر مکتب کپنهاک					
سیاسی	اقتصادی	اجتماعی	زیست‌محیطی	فناورانه	نظامی

1. Barry Buzan

بر این اساس می‌توان برای درک تهدیدات مبتنی بر ساحت‌های پذیرفته شده مکتب امنیتی کپنهاک با تلفیق شاخص‌های ده‌گانه با طیف‌شناسی تهدیدات به ارزیابی آن پرداخت. سطح و گستره میزان جدیت، امکان و احتمال اثربخشی، امکان و احتمال کنترل و جهت‌دهی به تهدید، امکان تداوم و گسترش آن را به‌صورت مناسب‌تری تمهیداندیشی نمود؛ آن‌گاه می‌توان با در نظر گرفتن نسبت‌های تهدید به تحلیل و برداشتی مناسب برای مهار و کنترل، هدایت و مدیریت، مواجه و نابودی، یا خنثی‌سازی و بهره‌برداری از تهدید پرداخت.

جدول ۷. نسبت‌شناسی ساحت تهدیدات در مکتب کپنهاک با شاخص‌های ده‌گانه

شاخص‌های تهدید										نظامی	سیاسی	اقتصادی	اجتماعی	زیست‌محیطی	فناورانه
بعد	سطح	جغرافیا	تعادل	تقارن	پیچیدگی	هویت	جنس	کانون	انگیزه و کاربزه						

علی‌اکبر احمدیان تهدیدات را از حیث صلابت به شکل زیر دسته‌بندی کرده است:

تعریف تهدید: نیت، قابلیت‌ها و اقدامات بالفعل و بالقوه دشمنان که موجودیت یا اهداف و منافع حیاتی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن و یا کشور ایران را به خطر اندازد و یا عامدانه در مسیر تحقق آن‌ها مانع فیزیکی یا غیر فیزیکی جدی ایجاد نماید.

تهدید سخت: اعمال نیت و اراده دشمن از طریق زور آشکار و قدرت نظامی با اشغال سرزمین و یا ایراد ضربه نظامی به منافع یا موجودیت جوهر تهدید سخت زور آشکار و اعلام شده نظامی و آماج آن سرزمین با منافع و ابزار اعمال آن قدرت نظامی است.

تهدید نیمه‌سخت: اعمال اراده از طریق زور پنهان یعنی تطمیع، ارعاب، نفوذ، با هدف وابسته‌سازی، اشغال و تسلط بر نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم و تغییر حاکمیت و نظام سیاسی مستقل به نظام وابسته، جوهر تهدید نیمه‌سخت ترس، طمع و ضعف و آماج و ابزار آن سامانه‌ها می‌باشد.

تهدید نرم: اعمال نیات و اراده دشمن از طریق اشغال و تصرف خود یک ملت، به روش بی‌هویت‌سازی ملی و جایگزینی فضولات فکری و اندیشه‌ای احساسی و رفتاری و در یک کلام فرهنگی خود به‌جای اندیشه، فرهنگ و هویت اصیل یک ملت و در واقع، اشغال و تصرف ملت، جوهر تهدید نرم، «اقناع» آماج آن ذهن، قلب و تنفس آحاد انسان‌ها و تشکل‌ها و ابزار آن رسانه و... است (احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۰).

تحلیل یافته‌ها

عصر کشاورزی که زمین و ملک به‌عنوان سرمایه بشری مورد توجه بود، بیشترین تهدید نیز در راستای اشغال و سیطره بر سرزمین ملی از طرف قدرت‌های درگیر مطرح بود؛ هویت نیز هویت زمین‌پایه و کشاورز مینا، فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های فتودالی و زمین‌داری و جغرافیامحور همه سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بود.

دوران صنعتی کارخانه‌ها به‌عنوان نماد صنعت و سرمایه‌داری شناخته می‌شدند؛ لذا قدرت‌ها به دو نحو تهدیدات خود را دنبال می‌نمودند؛ نخست با در اختیار گرفتن یا کنترل منابع و مواد خام؛ دوم با تهدید میدان توزیع و خط انتقال تولیدات صنعتی بود؛ هویت نیز بر فناوری و ماشینیسیم و تکنوپولی مبتنی بود؛ اقتدار محوری اقتدار فناورانه محور و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان بر تولید و توزیع فناوری استوار بود؛ هرچند امروز هم این امر در بسیاری جهات تداوم دارد.

در عصر دانش و اطلاعات، اساس سرمایه‌داری و ثروتمندی در میزان تولید دانش و اطلاعات و انباشت دانش و اطلاعات شناخته می‌شود. هویت محوری بر دانش و اطلاعات، اقتدار محور در اقتدار دانش‌بنیان و اطلاعات محور و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها بر دانش و فراگیری آن بنا نهاده شده است؛ لذا در این عصر حفظ هویت و تداوم عناصر هویتی در ابتناء آن‌ها بر دانش است.

کشمکش‌هایی بر اثر این تغییر و تحولات به‌وجود آمد؛ که حاصل گسستگی‌های کلان اجتماعی و روانی ناشی از انقلاب صنعتی و صنعتی شدن جوامع بود. آنچه به نظر می‌رسد اینکه طی بیش از دو دهه دیگر چه فناوری‌هایی ظهور خواهند کرد؟ ویژگی عمومی فناوری جدید،

ایجاد دگرگونی عمده در الگوهای سنجش است. پیش‌بینی آینده به برآورد صحیح و مناسب از آینده نیازمند است؛ و این چیزی است که به شناخت گذشته و حال مرتبط است؛ بر همین اساس است که گذشتگان ما تأکید کرده‌اند، هر کس که گذشته را نداند و نشناسد، در زمان حال حاضر نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ لذا در آینده گرفتار و اسیر خواهد ماند؛ اکتشافات عمده علمی و نوآوری‌های فناورانه در قرن آینده نیز گسستگی‌ها و شکاف اجتماعی و سیاسی جدیدی پدید خواهد آورد که خود عواملی در هویت‌سازی‌های انطباقی با شرایط نوظهور است؛ جوامعی که بتوانند در این شرایط با تجدید عناصر هویتی خود را بازسازمان‌دهی کنند، تهدیدات ناشی از تحولات فناورانه را مدیریت نموده‌اند و در جهان هویتی چندپاره به حیات خود ادامه داده‌اند. پیش‌بینی آینده به‌نحوی است که آینده را چه چیزهایی می‌سازند و یا چه صنایع و فناوری‌هایی در زندگی جوامع ظهور و بروز می‌نمایند و سبک زندگی آن‌ها را تغییر خواهد داد؛ لذا هویت آینده هر جامعه در گرو شناخت مناسب از آینده است.

چشم‌گیرترین و فراگیرترین نوآوری‌های چند دهه آینده در مقوله‌ای از سه پایه فناوری اطلاعات (IT)، بیوتکنولوژی (Bio Tec) و میکروالکترومکانیک (MEM) صورت خواهد گرفت. تهدیدات هر کشور - دولت، نظام سیاسی و اجتماعی و یا هر جامعه ملی یا بین‌المللی تابع شرایط سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی متناسب با آن می‌باشد. اگر کشوری دارای آرمان و اهداف ملی مشخصی باشد، تهدید آن کشور - دولت متناسب با آن و در همان سطح خواهد بود؛ در حالی که چنانچه کشور و جامعه، ملت و تمدنی دارای آرمان‌ها و اهداف تمدنی و الهام‌بخش برای دیگر ملت‌ها و تمدن‌ها باشد، سطح و نوع تهدیدی متناسب با آن‌ها خواهد داشت؛ همان‌گونه که کشور - دولت‌ها و ملت‌ها در روندی رو به پیش، متحول می‌شوند، تهدیدات آن‌ها نیز روندی رو به رشد خواهد داشت. کشورهایی که در فرایند تحولات رادیکال عمل می‌نمایند، با وضعیت‌های امنیتی رادیکال روبه‌رو شده و با ناکارآمدی، گسترش بحران و فرسایش قدرت مواجه می‌شود؛ اما در کشورهایی که در فرایند تحولات خود به‌صورت عقلانی و خردمندانه و مبتنی بر فرهنگ‌سازی عمل نماید، با وضعیت و موقعیت امنیت پایدار مواجه شده و کارآمدی و اثربخشی، ثبات و انسجام و مزایای قدرت را به‌دنبال خواهد داشت.

تهدیدات امنیتی به صورت عمومی در شرایط فقدان و عدم انسجام و ثبات کشورها و جوامع رخ خواهد داد.

بررسی تهدیدهای انجام شده علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده این است که تهدیدات در مراحل نخست ماهیت سخت‌افزاری داشته و به تدریج با تغییرات ماهیتی، کارکردی، روشی و نشانه‌ای روبه‌رو شده است. تهدیدهای سخت‌افزارانه به منظور مقابله با ساختار سیاسی ایران انجام گرفته است؛ در مرحله دوم، تهدیدات امنیت ملی ماهیت نرم‌افزاری به خود گرفته و فرسایش قدرت ملی ایران را دنبال نموده است. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی نه سیاسی، بلکه بیش از هر شکلی، انقلابی فرهنگی و هویتی بوده است، لذا قدرت انقلاب نیز در «هویت‌سازی و بازتعریف فرهنگ اسلامی ایرانی» بوده است.

تهدیدات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای ناکارآمدسازی در الگوسازی فرهنگی و هویتی بوده است. حرکت نظام استکباری در روند دگردیسی و تغییر تهدیدات از تهدید سخت کودتای نوژه و حمایت از گروه‌های جدایی‌طلب، تحمیل جنگ هشت ساله به ایران اسلامی تا دخالت مستقیم نظامی به سمت تهدید نرم و با هدف فرسایش قدرت و زمینه‌های قدرت ملی در تهاجم فکری و فرهنگی، ناتوی فرهنگی و تحریم و محاصره اقتصادی و... نشان از تغییرات ماهیتی، کارکردی و نشانه‌ای و روشی در تهدیدات دارد. در همه انواع تهدیدات تحول‌یافته هویت‌زدایی و بازهویت‌زایی متناسب با اهداف نظام استکباری مدنظر قرار گرفته است (متقی، ۱۳۸۹).

روند تغییر و تحول تهدیدات از سوی کشور - دولت‌ها علیه دیگر جوامع و کشورها به بستری که تهدید می‌خواهد در آن و بر آن عمل نماید، بستگی دارد. با توجه به مسائلی که به‌ویژه در یک و نیم دهه گذشته تعیین یافته است، تهدیدات دیگر به صورت ساده عمل نمی‌نمایند. تهدیدات از شکل ساده به مشترک و مرکب تبدیل شده‌اند. هویت اسلامی - ایرانی به‌عنوان مرکز ثقل قوت انقلاب اسلامی، در تهدیدات مرکب که ترکیبی از تهدیدات را در بر می‌گیرد، مورد هجوم قرار گرفته است؛ زیرا عامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی، عامل هویتی بوده است و همین عامل، عامل ثبات و بقاء انقلاب طی چهار دهه گذشته بوده است؛ پس جهت‌گیری تهدیدات در هویت‌زدایی از انقلاب و جامعه انقلاب تمرکز یافته است.

هویت ایرانی - اسلامی مردم ایران زمین دارای گزاره‌های اسلامی و ایرانی است. مبتنی بر اسلام، روند رو به تکوین اسلام در نگاه مردم‌شناسانه ادبیات قرآنی به وضوح نشان از خالص شدن هویت دینی و ارتقاء عیار دینی در سطح فرد و اجتماع دارد. در ادبیات قرآنی فرایند روبه رشد انسان در گذر از اسلام^۱، به ایمان و سپس از ایمان به تقوا و آن‌گاه از تقوا به سمت احسان^۲ (خوب خوبی کردن) و اخبات^۳ پیش می‌رود؛ در هر یک از مراحل و مراتب هویت مسلمین، مؤمنین، متقین و محسنین^۴ در تکاملی روزافزون بروز می‌یابد (صفایی حایری، ۱۳۸۸). هویت اسلامی چنانچه در نظام مبتنی بر اسلام و گزاره‌های دینی قرار گیرد، به شکلی فزاینده تکامل و تکوین می‌یابد؛ به نحوی که در برابر تهدیدات به حدی از ظرفیت می‌رسد که با استعانت از خدا، می‌تواند به هضم تهدیدات و ناکارآمدسازی آن‌ها توفیق یابد.

جدول ۸. تکوین رشد جامعه اسلامی

مراحل تکوین و رشد دین در جامعه اسلامی				
اسلام	ایمان	تقوا	احسان	اخبات
باور و قبول دهنی و زبانی	باور و قبول دهنی و زبانی و قبول قلبی یا اسلام+ قبول قلبی	اسلام+ قبول قلبی+ انجام عملی = ایمان + عمل صالح	ایمان + عمل صالح + صبر = تقوا+ صبر	احسان+ سرشکستگی و ذلت در برابر خداوند

توجه به اسلام دارای گزاره‌های اسلامی است. استمرار هویت اسلامی در استمرار ایمان و عمل صالح و صبر و قابل مشاهده است؛

۱. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ». حجرات، ۱۴.
۲. به تعبیر قرآن، احسان؛ یعنی تقوا به اضافه صبر: «مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ». یوسف، ۹۰.
۳. انکسار در برابر خداوند است. اخبات، مسکنت و ذلت آدمی و سرافکنندگی و شکستگی اوست.
۴. محسن در اصطلاح و سیر واژه‌شناسی قرآن یا مراحل تحول فلاح و رویشی که قرآن از آن حکایت می‌کند، به کسی می‌گویند که خوب عمل می‌کند؛ هم کار خوب و حسن را به خوبی انجام می‌دهد و طاعت را با حسن و زیبایی همراه می‌کند و هم کار خوب را از روش خوب و منهج مناسبی می‌آورد. محسن هم حسن را می‌آورد و هم حسن را با حسن و خوبی همراه می‌کند.

برای مواجهه با این تهدیدات باید در هر حوزه طیفی از تهدیدات را مورد توجه قرار داده و تنوع و تکثرشان را مدنظر قرار داد و به صورتی همه‌جانبه و هماهنگ به کنترل، مهار تهدید پرداخت؛ لذا با طیف‌شناسی تهدید در مواجهه با هویت در قالب‌های ممکن می‌شود:

۱. مبتنی بر گستره تهدید، تهدیدات طیفی از محدود تا گسترده را شامل می‌شوند. هویت‌زدایی دارای طیفی گسترده می‌باشد و مبتنی بر انباشت هویتی و ظرفیت هویتی گسترده‌تر می‌شود؛

۲. مبتنی بر میزان شدت تهدید، تهدیدات طیفی از کم شدت تا پرشدت را شامل می‌شوند؛

۳. مبتنی بر فوریت تهدید، تهدیدات طیفی از فوری و غیرفوری را در برمی‌گیرند؛

۴. مبتنی بر پیچیدگی تهدید، تهدیدات طیفی از ساده تا پیچیده و ترکیبی را شامل می‌شوند؛

تهدیدات هویت‌زدایانه، پیچیده بوده و ترکیبی از عوامل، زمینه‌ها و مراحل برخوردار هستند؛

۵. بر اساس میزان اثرگذاری بر محیط تهدید، تهدیدات طیفی از زودبازده تا دیر بازده را

شامل می‌شوند؛ تهدیدات فکری و فرهنگی به صورت عمومی دیربازده بود، اما دارای ماندگاری بیشتری هستند؛

۶. مبتنی بر مراحل مختلف اعمال تهدید، تهدیدات گاه برای عملی شدن یک تهدید مراحل

و گام‌های مستمری لازم است؛ از این جهت برای عملی شدن تهدید در گستره‌های ملی و تمدنی تهدیدات چندمرحله‌ای توسط قدرت‌های درگیری طراحی می‌شود. تهدیدات مبتنی بر بستر و آماجی که دارند، مراحل و گام‌های عملی نمودن‌شان متفاوت است؛ هرگاه روحیه و اراده ملی یک ملت تهدید شود، تهدید در مراحل مختلف و به صورتی مستمر در مراحل روندی زمان‌بردار عملی می‌شود.

جدول ۹. طیف‌شناسی تهدید در مواجهه با هویت

مؤلفه‌های تهدید	پایین طیف	بالای طیف
گستره تهدید	محدود	گسترده
شدت تهدید	کم‌شدت	پرشدت
فوریت تهدید	فوری	غیرفوری
پیچیدگی تهدید	ساده	پیچیده و ترکیبی
اثرگذاری بر محیط تهدید	زودبازده	دیر بازده
مراحل مختلفی اعمال تهدید	تک‌گامی	مستمر و متوالی / طولانی

تهدید بر بستر آسیب‌ها تبلور می‌یابد. توجه به بسترسازی در عملیاتی نمودن تهدید از سوی هر نیروی تهدیدکننده و کنشگر تهدیدی مؤثر است؛ بر همین اساس هر کشور - دولتی که بتواند ضمن انسجام‌بخشی داخلی به تقویت عناصر انسجام‌بخش خود توجه نماید، تهدید را ناکارآمد نموده و امکان تبلور تهدید را کاهش خواهد داد. هویت ملی و توجه به عناصر آن و تداوم‌بخشی عناصر هویتی سبب پیشگیری از فرصت‌طلبی بازیگران در تهدید خواهد شد. به موازات افزایش تأثیر، ضعف و نارسایی هویتی تفکر و رفتار امنیتی سنتی آشکار شده است. برداشت‌های سنتی از مقولات مختلف به‌ویژه امنیت، تهدید، جنگ و حتی مفهوم کلان و بستری چون جهاد در ادیان توحیدی بالأخص اسلام گردیده است؛ اما با همه این تحولات نمی‌توان نقش هویت و باز تعریف هویت و عناصری که تداوم‌بخش آن هستند را در مدیریت مخاطرات در دهه‌های پیش‌رو نادیده انگاشت.

بسیاری از تهدیدهای معاصر، برخاسته از عواملی نظیر بیماری‌های واگیردار همانند ایدز، قاچاق مواد مخدر و تروریسم که سلاح‌های کشتار جمعی را نیز شامل می‌شود، جنبه فرامرزی دارند؛ آن‌ها به‌رغم گذشتن از مرز کشورها، عموماً قادر نیستند به‌طور مستقیم با سیاست خارجی یا رفتار دیگر کشورها ربط پیدا کنند؛ این تهدیدها بیش از آنکه به دست دولت‌های ملی ایجاد شده یا کنترل گردند، در شبکه‌های پیچیده، پویا و بین‌المللی که حاصل فناوری‌های ارتباطاتی امروزی، حمل و نقل و اطلاعات است، یافت می‌شوند؛ این شبکه، مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، فرصت‌ها و توانمندی‌های افراد و گروه‌ها را مطرح می‌سازد که کارکرد آنان - غرض‌ورزانه یا بی‌غرض - می‌تواند بر ارزش‌های بنیادین امنیت ملی نظیر تمامیت ارضی و استقلال سیاسی، حفظ سلامت و خوشبختی، آزادی و ثروت شهروندان و فرهنگ ملی، تهدید وارد کند (متیو و شامبوگ، ۱۳۸۷). در جامعه‌ای که دارای هویت مشخص و پایداری به عناصر هویتی است، انگیزه و فرصت‌های مبتنی بر آن به صورت شاخص‌های خنثی‌ساز تهدید عمل می‌نمایند. تقوا و خویش‌یابی در جامعه ایرانی و اسلامی می‌تواند تهدیدات بسیاری از تهدیدات اجتماعی و اداری را ناکارآمد سازد. هنگامی که جهاد، تولی و تبری به‌عنوان گزاره‌های شکل‌دهنده هویت اسلامی - ایرانی تبلور یابند، اثرگذاری تهدیدات نظامی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... در حد بسیار زیادی کاهش می‌یابد؛ زیرا مواجهه با تهدیدات به شکل سازمانی و

در قالب آن گنجانده نمی‌شود؛ بلکه قاعده «کلکم راع و کلکم مسئول» در همه جامعه ساری و جاری است.

نتیجه‌گیری

استعمار در روند رو به تکوین خود سه مرحله را از سر گذرانده است؛ در مرحله نخست با بهره‌گیری از نیروی نظامی به اشغال سرزمینی دیگر کشورها پرداخته است که از آن به استعمار کهن و کلاسیک نام برده می‌شود؛ در مرحله دوم با بهره‌گیری از توان اقتصادی و سیاسی‌ای که در کشورهای هدف وجود داشت، به رویه‌سازی سیاسی و اقتصادی با جهت‌گیری کنترل بازار و حکومت جوامع پرداخت که به استعمار نو شناخته می‌شود؛ در مرحله سوم، استعمار با بهره‌گیری از گزاره‌های فکری و فرهنگی به دنبال کنترل اذهان و قلوب مردم، نخبگان و مسئولین با آمال و آرزوسازی اغواکننده از خود پرداخت که از به استعمار فرانو یاد می‌شود. سه مقطع و دوره استعمار با هویت‌زدایی از کشورها و ملل تداوم یافته است. استعمار تداوم حیات خود را در الیناسیون و از خودبیگانگی هویتی می‌بیند و بر همین اساس است که ضمن بهره‌گیری از ارتباطات پیش‌رفته و شبکه‌های اجتماعی، هویت‌زدایی و هویت‌سازی جعلی را در فرهنگ و جوامع دیگر دنبال می‌نماید؛ این امر در فرایندی مستمر از سوی قدرت‌های استکباری دنبال می‌شود. انقلاب اسلامی که در محیط بین‌المللی به دنبال احیاء رسالت انبیاء در رسالت خود آن‌گونه که در اصول قانون اساسی، کلام امامین انقلاب و در الهام‌بخشی حرکت‌های انقلابی با ماهیت و هویت انسانی در گام نخست هویت توحیدی، در گام دوم هویت اسلامی، در گام سوم هویت شیعی (اسلام ناب) در گام چهارم، به‌عنوان بازیگری کلیدی در مخالفت و ضدیت با گفتمان استکباری که بر اساس استعمار و استعمار دیگر ملل است؛ این نگرش به‌عنوان کارویژه انقلاب اسلامی مطرح گردیده تا جایی که از سوی حکومت آمریکا به‌عنوان پیش‌آهنگ استکبار به عنوان مخل امنیت جهانی معرفی شده است و در چهار دهه گذشته تحت فشار قرار گرفته است؛ تا حداکثر به تغییر نظام، یا حداقل تغییر جهت‌گیری راهبردی و تغییر رفتار با جریان مسلط جهان هماهنگ گردد. بستر تغییر رفتار،

تغییر جهت و تغییر نظام در جابه‌جایی ارزش‌های بنیادین و تغییر آن‌ها، بازهویت‌سازی ملی است.

تغییر سبک زندگی در راستای بازهویت‌سازی انقلابی و اسلامی در دستور کار استکبار قرار گرفته است. استکبار که نمود عینی آن امروزه در غرب تعیین یافته است، با طراحی بلندمدت مراحل، شبیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم و جنگ ترکیبی را در دستور کار قرار داده و آن را عملیاتی نموده است؛ این فرایند دارای مراحل است:

۱. مرحلهٔ تشکیک در هویت ملی ایرانی و اسلامی که با بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و پنهان‌سازی قوت‌ها و توانمندی‌ها صورت می‌پذیرد؛

۲. مرحلهٔ تخریب هویت ملی^۱ با تغییر و نابودی ارزش‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی تا جایی که عناصر هویتی که عامل انگیزش و هاضم تهدیدات در چند سدهٔ گذشته به صورت عام و به‌عنوان عامل محرک و برانگیزانندهٔ ملت در قریب چهار دههٔ عمر جمهوری اسلامی به شکل ویژه بوده است، غیر پاسخگو، ناکارآمد و نابود شود؛ این مرحله در تغییر هویت شامل گام‌های جداسازی^۲ از عناصر هویتی خودی، ایجاد خستگی^۳ از عناصر هویتی و افتخارات خود به‌نوعی که سبب غیرمنطقی انگاشتن شود، به چالش افتادن^۴ با آن و در نهایت قطع ارتباط با گذشتهٔ هویتی و تاریخی خود است؛ حال اگر جامعه‌ای به این مرحله برسد، در آستانهٔ نابودی هویتی و آمادهٔ پذیرش هویت‌های غیر می‌گردد؛ هرگاه ملتی در این مرحله قرار گیرد، تهدیدات کارآمدی حداکثری خود را خواهند داشت؛ زیرا هیچ‌گونه عامل تقابلی و انگیزشی وجود نخواهد داشت؛ این فرایند به صورت متوالی و مداوم در مواجهه با انقلاب در چهار دههٔ گذشته به صورت روزافزون وجود داشته است؛

۳. مرحلهٔ بازهویت‌سازی^۵ متناسب با ارزش‌های غیر بنیاد استکباری؛

-
1. Identity Destruction
 2. Isolation
 3. Exhaustion
 4. Challenge
 5. Recreate Their Identity

مبتنی بر این دیدگاه و نگرش می‌توان نظام استکباری را در سه وضعیت استعماری متناسب و متناظر با این سه طیف از تهدید مشاهده نمود.

تهدید سیاسی	صلابت	قدمت	اسارت‌گاه - آماج	قدرت اعمالی	ابزار قدرت	روش اقدام
	تهدید سخت	استعمار کهن	سرزمین	نظامی	زور، اجبار و خشونت	کشورسازی
	تهدید نیمه‌سخت	استعمار نو	ساختار سیاسی و اقتصادی	سیاسی و اقتصادی	قانون‌گذاری و رویه‌سازی	دولت‌سازی
	تهدید نرم	استعمار فرانو	اذهان و قلوب	فرهنگی	عملیات روانی و رسانه‌ای	الیناسیون هویت‌سازی

شکل ۲. نسبت‌شناسی استعمار با تهدیدات از حیث صلابت

تهدیدات با توجه به نوع نگرش به مسائل و ساحت‌های قدرت متفاوت شده‌اند. ایدئولوژی، فرهنگ، جایگاه ملی و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی، اهداف و آرمان‌های ملی، بین‌المللی و جهانی، میزان اقتدار، جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، منابع مادی و غیرمادی (معنوی، نیروی انسانی، قدرت و توان انسجام‌بخشی و بسیج‌کنندگی مردم و...)، جایگاه و میزان الهام‌بخشی، میزان حضور مردم در صحنه، مشروعیت و... متنوع و دارای چهره‌هایی متفاوت است؛ اما با توجه به متحول بودن جهان و پدیده‌های جهانی، تسلسل و تحولی که در عصرهای مختلف در ساحت‌های متفاوت صورت گرفته است، به همان میزان تهدیدات نیز متحول گردیده‌اند.

مواجه با تهدیدات در جامعه ایرانی - اسلامی در توجه به هویت اسلامی و ایرانی و عناصر آن، تقویت، تداوم و استمرار آن‌هاست. بقاء هویت ایرانی - اسلامی سبب تقویت توان مقابله با تهدیدات نوظهور خواهد بود؛ این توانمندی را به سبب وجود ظرفیت بالای عناصر هویت اسلامی در هضم و تبدیل تهدیدات به شکل زیر می‌توان برشمرد:

۱. هویت ایرانی - اسلامی دارای عناصر ثبات‌بخش در امنیت ملی است؛
۲. امنیت ملی در جامعه ایرانی - اسلامی به قوام مسئولیت در برابر خدا مرتبط است؛

۳. عناصر انسجام‌بخش در جامعه ایرانی - اسلامی در کاهش ازخودبیگانگی افراد و جامعه با تاسی به گزاره‌های انسانی و اسلامی است؛
۴. عناصر هویتی که بر مبانی انسانی و اسلامی استوار باشند، در مواجهه با تهدیدات به ثبات انسانیت و پاسخگویی در برابر اقدامات قائل است؛
۵. تمایزات هویتی، تمایزبخش اتخاذ راهبردها در مواجهه و مقابله با تهدیدات یکسان هستند؛
۶. تغییر در هویت و هویت‌زدایی اصلی‌ترین نوع تهدید در مواجهه با انقلاب است و به این سیاق، هویت‌زایی و تقویت هویت امکان توفیق در تقابل با تهدیدات را ممکن و میسر می‌نماید؛
۷. هویت ایرانی - اسلامی دارای شاخصه بستر مقاومت و ایستادگی ملی دارای سابقه بوده است؛
۸. سابقه تاریخی ایرانی و اسلامی به‌نحوی بوده است که همواره با تبدیل تهدید به موقعیت و بارورسازی آن جهت شکوفایی عناصری دیگر در هویت عمل نموده است. شناخت عناصر کاتالیزور و مبدل در فرهنگ و بوم فرهنگی ایران مسئله‌ای اساسی در مواجهه با دامنه تهدیدات انقلاب اسلامی است؛
۹. هویت ایرانی - اسلامی برای خود مسئولیت تاریخی قائل است؛ لذا نسبت به مسائل پیرامون خود بدون موضع نخواهد بود؛ این شاخصه چالش همیشگی با قدرت‌های استکباری را در پی خواهد داشت؛
۱۰. تداوم و تسری عناصر هویتی به تداوم کارآمدی و اثربخشی آن‌ها در مسائل نوظهور قرار دارد؛ این مسئله مسئولیت تصمیم‌گیران و نخبگان را مضاعف می‌نماید.

منابع

فارسی

۱. قرآن مجید.
۲. امام خمینی (ره)، روح‌الله، (بدون تاریخ)، صحیفه امام، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۸/۱۸)، بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، بازیابی از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای.
۴. احمدیان، علی اکبر (۱۳۹۴)، تهدیدشناسی از منظر رهبران انقلاب اسلامی، مجله سیاست دفاعی، ش ۹۱: ۹ - ۳۹.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، نسخه اول، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۶. الطائی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
۷. امامی، سید مجید (۱۳۹۰)، جامعه ایرانی از بحران تا درمان، سوره، ۵۶ - ۵۷ بازیابی از سایت سوره.
۸. اندیشکده یقین (۱۳۹۰)، دکترین ملی بیع در افق ۱۴۱۴، در اسماعیل نژاد، تهران: اندیشکده یقین.
۹. اندیشکده یقین (۱۳۹۴)، دکترین امنیتی - دفاعی انقلاب اسلامی ایران، جلد ۱، تهران: اندیشکده یقین.
۱۰. باوند، داود (۱۳۷۷)، چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ، ماهنامه اطلاعات سیاسی، ۱۲۹ - ۱۳۰، ۱۳۰.
۱۱. بوتول، گاستون (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. پرتوی، اصغر (۱۳۷۴)، بحران هویت و سیاست‌های توسعه در ایران، دین و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع). ش ۱: ۶۳ - ۸۸.
۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ملی، ش ۵: ۱۵۶ - ۱۷۶.
۱۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۵. چلبی، منصور (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۱۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵: ۲۰۶.

۱۷. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، هویت و بحران هویت ایرانی، جامعه سالم، ۲۴: ۵.
۱۸. رزازیفر، افسر (۱۳۷۹)، الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران (با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن)، ش ۵: ۱۳۴ - ۱۱۰.
۱۹. رضایی، سیدمحمد؛ جوکار، محمدصادق (۱۳۸۸)، بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴۰: ۵۳ - ۸۸.
۲۰. رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. زاهد، سعید (۱۳۸۴)، هویت ملی ایرانیان، راهبرد یاس، ش ۴: ۱۲۹ - ۱۳۰.
۲۲. زهیری، علیرضا (۱۳۷۹)، تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر سیاست خارجی، علوم سیاسی، ش ۱۲: ۱۸۹ - ۲۱۸.
۲۳. سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (بدون تاریخ)، سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، بازبایی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۵. صفایی حایری، علی (۱۳۸۸)، اخبات، قم: لیل‌القدر.
۲۶. طاهری خرم‌آبادی، (۱۳۶۱)، جهاد در قرآن، انواع دفع، پاسدار اسلام، ش ۵: ۲۹ - ۳۱.
۲۷. قربانی، قدرت‌اله (۱۳۸۳)، هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۱۸: ۶۳ - ۸۶.
۲۸. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۸: ۵ - ۲۸.
۲۹. متیو، ریچارد؛ شامبوگ، جرج (۱۳۸۷). تهدیدهای فرامرزی و آسیب‌پذیری‌های ملی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، جهاد، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری.
۳۱. میرمحمدی، داود (۱۳۸۳)، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۳۲. میلر، دیوید (۱۳۸۳)، ملیت، ترجمه داود غریاق‌آبادی زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۳۳. نجفی، محمد حسن (بدون تاریخ)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۴. نوری، حسین (۱۳۶۷)، جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

انگلیسی

1. Kahn, H, (1961), On Thermonuclear War, NJ: Princeton University Press

اینترنتی

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>
2. <http://www.sooremag.ir>.
3. <http://pcci.farhang.gov.ir/fa/desision/desision86/sanad>